

ترجمه و تمثیل به عنوان روش های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت

محسن ایمانی¹

صاحب نظران رشته فلسفه تعلیم و تربیت، ترجمه و استفاده از تمثیل را به عنوان روش هائی در نظر گرفته اند که از آن ها می توان به عنوان روش هائی در فلسفه تعلیم و تربیت بهره گرفت. گاه انتقال یک مفهوم در ترجمه از زبانی به زبان دیگر و یا انتقال از گفتمانی به گفتمان دیگر، می تواند وضعیتی را ایجاد کند که به آن محتوا تحت عنوانی دیگر نگاه کند و یا برداشت متفاوتی نسبت به آن داشته باشد که این امر می تواند نسبت به دیدگاه های تأویلی (Hermeneutic) نزدیک باشد. پرسش فلسفی مطرح می تواند این باشد که چه سوالات و ادراکاتی مطرح می شوند، وقتی که ما «الف» را تحت عنوان «ب» مشاهده می کنیم؟

دشواری یک ترجمه هرگز صرفاً یک مورد تکنیکی نیست، بلکه به رابطه انسان ها با ذات آن کلام و در رابطه با ارزشمند بودن زبان مربوط می شود. چنان که هایدگر می گوید: «به من بگو که راجع به یک ترجمه چگونه فکر می کنی، و من به تو خواهم گفت که تو چه کسی هستی». پس دشواری ترجمه در این گونه موارد است که مثلاً در زبان انگلیسی تنها یک فعل «دانستن» وجود دارد و حال آن که در زبان هلندی و آلمانی و فرانسوی دو فعل وجود دارند. این که کدام فعل از افعال دوگانه می تواند معادل مناسبی برای آن باشد، امری است که مترجم را به تأمل وادار می دارد، و انتخاب واژه درست و متناسب با نظر نگارنده کار را دشوارتر می کند، به ویژه اگر مترجم در آن حال و هوای فرهنگی زندگی نکرده باشد. گاه انتخاب واژه های تحت اللفظی ممکن است به وضوح بیشتر متن کمک کند، اما برخی این نوع ترجمه ها را ترجمه های «نه چندان با وقار» نامیده اند. گذشته کلمات و استفاده در متون مختلف از آن ها نیز دشواری بیشتری را بر سر راه مترجم قرار می دهد. چنان که فعل «دانستن» در انگلیسی در گذشته به معنای «از منظر جنسی آشنا بودن با کسی» را شامل می شد. به هر حال برای مترجم گاه یافتن معنای مناسب و معادل

¹ - استادیار دانشگاه تربیت مدرس



مربوط کاری بسیار دشوار می‌باشد و این امر به نگاه فلسفی او نیز می‌تواند تا حد در خور توجهی ارتباط داشته باشد. لذا راه‌های شناخت پادشاه وقت فرانسه از دایانا، به هر حال ممکن است که از راه‌های دانستن دایانا توسط فردی دیگر متفاوت باشد. پس این جستجوی طولانی ترجمه‌ها برای عبارت «راه‌های دانستن» که معادل‌های متفاوتی در زبان‌های گوناگون دارد، نشان می‌دهد که استفاده از ترجمه به عنوان یک روش در تفکر و در نوشتن فلسفه و به تبع آن در فلسفه تعلیم و تربیت کاربردی جدی دارد. و ما در این مقاله در صدد بررسی این روش فکری و فلسفی می‌باشیم.

مسئله دوم، استفاده از تمثیل هاست که می‌تواند موجبات بروز مغالطات در مسائل مورد بحث در فلسفه و فلسفه تعلیم و تربیت را فراهم نماید. تمثیل‌ها برای بیان بهتر و قابل فهم کردن مباحث کاربرد زیادی در فلسفه و فلسفه تعلیم و تربیت دارند، اما اگر موجب بروز مغالطه در مباحث بشوند، نقض غرض خواهند کرد و حتی تأثیراتی مخرب را در بر خواهند داشت، چه نویسنده تعمداً چنین قصدی را داشته باشد و چه ناخواسته چنین عملی از او سرزند. با توجه به سخن وی‌تگنشتاین که می‌گوید: «ما باید پیچیدگی‌های ظریف پدیدارهای اجتماعی را به طور عمیق مورد مطالعه قرار بدهیم و از مسلط ساختن نظریه انتزاعی بر یک واقعیت سرکش پرهیز نمائیم»، باید واقعیت را آن گونه که هست دریابیم، نه این که نظر خود را بر واقعیت تحمیل کنیم. این پرهیز از انتزاعی بودن می‌تواند با ارائه تمثیل انجام بشود زیرا تمثیل گونه‌ای از ادراک جزئی است.

نتیجه آن که با در نظر گرفتن ترجمه و تمثیل، که هر دو می‌توانند در رویکردهای فلسفی و رویکردهای ما در فلسفه تعلیم و تربیت تأثیرگذار باشند، در این مقاله به بررسی ترجمه و کاربرد تمثیل به عنوان روش‌های فلسفی می‌پردازیم و به بیان تأثیرات آن‌ها مبادرت می‌نمائیم.

واژگان کلیدی: ترجمه، تمثیل، روش‌های فلسفی، فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه، تربیت